

DOI: [10.30512/KQ.2023.19742.3623](https://doi.org/10.30512/KQ.2023.19742.3623)

### مطالعه شواهد لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره مائده\*

محمد تیموری<sup>۱</sup>

محمدرضا آرام<sup>۲</sup>

سیدمحمد رضوی<sup>۳</sup>

#### چکیده

قرآن کریم مجموعه‌ای از گفتار الهی است و سبکی گفتاری (خطابی) دارد و پاراگراف‌ها از بخش‌های اساسی این کتاب آسمانی هستند. یکی از گام‌های اساسی برای رسیدن به ساختار سوره، به مثابه واحدی پیوسته و دارای ساختاری منسجم و منظم، تقسیم آن به واحدهای معنایی و موضوعی (پاراگراف‌بندی) است. بر خلاف روش‌های مفسران و قرآن‌پژوهانی که با استفاده از شواهد معنوی، سوره را به اجزاء و بخش‌هایی تقسیم کرده‌اند، پژوهش حاضر در صدد است به روش ترکیبی و با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی به پاراگراف‌بندی و تقسیم‌بندی موضوعی سوره‌ها بپردازد. در این راستا، با مطالعه چند سوره، برخی شواهد و نشانه‌های لفظی شامل قَسَم، خطابات خداوند به پیامبر اکرم (ص) و سایرین و تکلم خداوند و غیره احصاء شده و قواعدی استخراج و با استفاده از آنها سوره مائده بخش‌بندی شد. با به کارگیری قواعد این روش، در بیشتر موارد، تقسیم‌بندی موضوعی سوره بدون توجه به محتوای آیات امکان‌پذیر است. واژگان کلیدی: قرآن کریم، ساختار سوره، پاراگراف‌بندی موضوعی سوره، مائده، نشانه‌های لفظی، نظام گفتاری (خطابی).

\* تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران/teimoori@sru.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران (نویسنده مسئول)/moh.aram@iauctb.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران/dsmrazavi@yahoo.com

\*\*مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

## ۱ - مقدمه

بیشتر مفسران متقدم قرآن، از ساختار کلی متن (مثلاً کل یک سوره) غافل بودند و نهایتاً به روابط میان آیات متوالی می‌اندیشیدند و در تفسیر خود، به واحدهای کوچک متنی مثل جمله، آیه و فراز توجه داشتند (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴، ص ۷).

با مطرح شدن «وحدت سوره» و «سوره به مثابه واحد پیوسته» در اوایل قرن بیستم، مفسران و قرآن‌پژوهانی، سوره‌های قرآن را دارای ساختاری منسجم و منظم و هر کدام را یک کل هماهنگ و متناسب دانسته و با طرح این نظریه، در صدد رفع شبهات گسستگی و عدم انسجام قرآن برآمده‌اند (توکلی محمدی و پویازاده، ۱۳۹۶، صص ۳۰-۳۳) و برای هر سوره یک مضمون اصلی در نظر می‌گیرند. آنگاه، تلاش می‌کنند تا انسجام سوره را پیرامون این محور اصلی توضیح دهند و عقیده دارند که بخش‌های مختلف سوره، گرچه ممکن است به مضامین مختلف اشاره داشته باشد، ولی خواننده را در مجموع، یک گام به درک کامل‌تر موضوع اصلی نزدیک می‌کنند (حرّی، ۱۳۹۰، ص ۷۸). برخی این هم‌راستایی اجزای سوره با مقصود نهایی سوره را به «ساختار هندسی سوره-های قرآن» نیز تعبیر کرده‌اند (خامه‌گر، ۱۳۸۶، ص ۱۳). رویکرد عموم این مفسران تحلیلی- ترکیبی است؛ یعنی ابتدا سوره را به چندین بخش تقسیم می‌کنند. سپس، تلاش می‌کنند مناسبت میان بخش‌ها را بیابند (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴، ص ۸). در آثار بسیاری از مفسران، معیارهای ارائه شده، بی‌آنکه به خوبی تبیین شوند، غالباً بیش از اندازه ذهنی و انتزاعی هستند. همین مسأله، بخش‌بندی و تقسیم سوره را به محلی برای منازعه و بحث میان ایشان تبدیل کرده است (همان، ص ۱۰۸).

اخیراً تعداد معدودی از قرآن‌پژوهان غربی نیز در پژوهش‌های خود، به بررسی ساختار و ترکیب متن قرآن پرداخته و تا حدودی در اثبات انسجام و پیوستگی در سوره‌های قرآن، خصوصاً سوره‌های مدنی موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۷۲). از دغدغه‌های مهم این افراد نیز، کشف این نکته است که چگونه بخش‌ها و سیاق‌های یک سوره، با وجود داشتن موضوعات متنوع، در تکوین یک کل منسجم در کل قرآن و در هر سوره نقش دارند (ذوقی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴).

البته، بیشتر مفسران و قرآن‌پژوهان در پژوهش‌های خود - به جز تعدادی معدود، مانند سعید حوی، سلوی محمد العوی - روشی نظام‌مند و مبتنی بر نظریه‌ای مشخص برای تقسیم سوره به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی ارائه نمی‌دهند. این مسأله، به ویژه آنگاه که محقق به صورت عملی در صدد اثبات انسجام متن قرآن برمی‌آید، نمود بارزتری می‌یابد (مکوند و شاکر، ۱۳۹۴، ص ۱۴) و باب اختلافات گشوده می‌شود.

پژوهش حاضر بر این ادعاست که برخلاف نظر برخی قرآن‌پژوهان، تنوع موضوعات و مضامین، تغییرات ضمایر، تعویض گوینده و تغییر مخاطب، نه تنها از معایب قرآن به شمار نمی‌رود؛ بلکه یکی از عوامل مؤثر در ایجاد ساختار سوره است و با استفاده از این تغییرات، روش جدیدی جهت بخش‌بندی (پاراگراف‌بندی) و تعیین اجزاء ساختاری سوره - که هر یک بیانگر موضوع و مضمونی متفاوت هستند - ارائه شده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

تفاسیر و کتاب‌های زیادی با نگاه ساختاری به سوره‌ها، به تفسیر آیات و کشف غرض اصلی سوره‌ها پرداخته‌اند و بدین منظور، برخی با توجه به شواهد و علائم لفظی یا معنایی، سوره را به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی تحت عنوان سیاق، مقطع، قسم و... تقسیم کرده و غرض و هدف محوری سوره را استخراج می‌کنند. عده‌ای از آنان ترتیب خاصی برای به دست آوردن ارتباطات بخش‌ها و تعیین موضوع محوری ارائه می‌کنند؛ از جمله شیخ محمد عبده در «المنار»، محمد حسین طباطبایی در «المیزان»، سید قطب در «فی ظلال القرآن»، امین احسن اصلاحی در «تدبر القرآن» و سعید حوی در «الأساس فی التفسیر».

روش تفسیر ساختاری در خصوص تعداد زیادی از سوره‌ها به صورت مقالاتی نیز ارائه گردیده است؛ به عنوان مثال: مقاله «بررسی ساختار سوره انسان و دسته‌بندی آن‌ها» از مریم نساج و عباس اسماعیلی‌زاده، مقاله «ساختار سوره انشقاق» از یونس دهقانی فارسانی، مقاله «پیوند فرم و ساختار در سوره مبارکه تکویر» از هومن ناظمیان، مقاله «خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات» از نیکو دیالمه، مقاله «بررسی ساختار سوره مائده با رویکرد ساختار درختی» از محمدرضا آرام و فاطمه لایقی، مقاله «بررسی نظم در سوره‌های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین» از احمد زارع زردینی و مقاله «تفسیر ساختاری سوره یس با تأکید بر تفسیر المیزان» نوشته سعید غروی.

اگرچه مقالاتی از این دست بسیارند؛ اما در تمامی این تحقیقات، سیاق‌های سوره براساس شواهد معنایی، توسط نویسنده تعیین شده یا از رکوعات و دفعات نزول و یا سیاق‌بندی تفاسیر مهم استفاده شده است. همچنین، در برخی مقالات با عنوان نمودن ارتباطات لفظی، اسلوبی و بلاغی، سوره بر اساس برداشت‌های ذهنی مؤلفین سیاق‌بندی شده است و هیچ‌کدام معیار قابل ملاحظه‌ای برای تقسیم‌بندی ارائه نمی‌دهند. پژوهشگرانی نیز که از شواهد لفظی یاری گرفته‌اند، قواعدی بیان نکرده‌اند یا قواعد ارائه‌شده توسط آنها موارد نقض زیادی دارد. از طرفی، برخی نویسندگان، ابتدا سیاق‌ها و پاره‌گفت‌ها را تعیین نموده و مجدداً برای تفسیر، آنها را به بخش‌های کوچکتر تقسیم نموده‌اند (از کل به جزء) و از طرف دیگر، بخش‌های داخل سیاق مورد نظر آنها در موارد فراوانی، با استفاده از روش این پژوهش، قابل تقسیم به بخش‌های کوچکتر می‌باشند که می‌تواند گویای دقت بیشتر روش این پژوهش باشد.

اخیراً توسط پژوهشگران غربی نیز، در این خصوص پژوهش‌هایی انجام یافته است. به عنوان نمونه، رابینسون در مقاله «دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده» و سلوی محمد العوی در کتاب «روابط متنی در قرآن».

تنها مقاله در دسترس در خصوص پاراگراف‌بندی سوره‌ها، مقاله «بررسی ابعاد کارکردی، زیبایی‌شناختی و ادبی پاراگراف‌بندی متن قرآن کریم» است که در سال ۱۳۹۹ نگارش یافته و نویسندگان آن،

۱. احتمال پاراگراف‌بندی در قرآن کریم را مطرح می‌نمایند؛

۲. رکوعات را یکی از ملاک‌های تغییر موضوع در درون یک سوره از قدیم‌الزمان می‌دانند؛

۳. معتقدند وجود برخی از عناصر سبکی و ادبی می‌تواند در شناخت پاراگراف مؤثر باشد؛

۴. پاراگراف‌های قرآنی یکی از جنبه‌های مهم قرآن است که باید بدان پرداخته شود (توکلی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۴۳-۵۷).

ناگفته نماند، نگارنده پژوهش حاضر در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تبیین نقش تصویرپردازی در ساختار سوره‌های قرآن کریم» در این زمینه، پژوهش‌هایی انجام داده و در خصوص پاراگراف‌بندی روشمند سوره اقدام و قواعدی را پیشنهاد داده که اساس این مقاله را بخشی از همان قواعد پیشنهادی تشکیل می‌دهند (تیموری و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۸۸).

این پژوهش، ضمن پذیرش انسجام ساختاری سوره‌های قرآن کریم، روشی جدید جهت تقسیم‌بندی و تعیین اجزاء ساختاری سوره - که هر یک بیانگر موضوع و مضمون نسبتاً متفاوتی در یک سوره هستند - ارائه می‌دهد. لازم به ذکر است، مقاله یا کتابی که بطور مستقل به دسته‌بندی نشانه‌های لفظی مؤثر در بخش‌بندی موضوعی سوره‌ها پرداخته باشد، یافت نشد (عَوّی و رابینسون شواهدی لفظی برای فصل‌بندی ارائه کرده‌اند).

### ۳- ادبیات، مبانی و قواعد پژوهش حاضر

این پژوهش، ابتدا سوره را با توجه به قواعد استخراجی به پاراگراف‌ها و بخش‌های موضوعی کوچک تقسیم می‌نماید، سپس در ادامه با استفاده از این بخش‌ها و با توجه به شواهد معنایی، سوره را فصل‌بندی (سیاق‌بندی) نموده، سپس با استفاده از پیام فصل‌ها، موضوع محوری سوره را تعیین می‌نماید.

### ۳-۱- ادبیات پژوهش

در ارزیابی متون، تفکیک نظام گفتاری از نظام نوشتاری ضروری است. شاخصه‌های این دو، در عین تفاوت دارای مشترکاتی نیز هستند. از جمله، شاخصه‌های مشترک این دو نظام، پاراگراف‌بندی متون است و از سوی، ضوابط مشترک این دو نیز، قواعد متفاوتی دارند؛ مثلاً علائم نشانه‌گذاری پاراگراف در متن گفتاری با علائم نشانه‌گذاری آن در متن نوشتاری متفاوت است. در متن نوشتاری، از علامت‌هایی مانند ویرگول، نقطه ویرگول و نقطه برای نشانه‌گذاری جمله استفاده می‌شود و تورفتگی در ابتدای پاراگراف، به منظور جداکردن پاراگراف‌ها از یکدیگر به کار می‌رود (سلطانی، ۱۳۹۶، ص ۸). در یک متن نوشتاری، پاراگراف به عنوان علامتی بصری یا دیداری، به خواننده کمک می‌کند تا بخش‌های درونی نوشته را به عنوان کلیتی بزرگ‌تر ببیند؛ ولی علائم در متن گفتاری، بصری یا دیداری نیستند، بلکه از نوع الفاظ یا نکات دستوری می‌باشند (همان، ص ۱۰).

سبک قرآن کریم سبکی گفتاری (خطابی) است، نه نوشتاری و از بخش‌های اساسی متن این کتاب آسمانی نیز، پاراگراف‌ها هستند و به قول نیل رابینسون «در دنیای مدرن افراد تحصیل‌کرده عادت دارند، اسنادی را مورد بررسی قرار دهند که با ریزموضوع‌ها و پاراگراف‌های کوچک طراحی شده باشند» (رابینسون و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸).

### ۳-۲- علائم نشانه‌گذاری پاراگراف

گفتاری بودن قرآن کریم بدان معنی نیست که سبک این کتاب آسمانی فاقد هرگونه نظامی است یا تمام اسلوب و ضوابط آن غیر از اسلوب و نظم خاص نظام نوشتاری است؛ بلکه بسیاری از ضوابط اسلوب نوشتاری در آن رعایت شده است و پاراگراف‌ها با ایجاد پیوند در میان آیات، نقش سلول اصلی و سازنده را در متن زنده، پویا و ساختارمند سوره ایفا می‌کنند. هریک از این پاراگراف‌ها از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که برخلاف ظاهر پراکنده موضوعات، بی‌ربط نیستند؛ بلکه به عنوان اجزاء ساختاری، منطبق با شاخصه‌های گفتاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب بوده و در فهم کامل‌تر موضوع اصلی سوره به خواننده کمک می‌کنند.

در بسیاری از سوره‌های قرآن کریم، به دلیل نظام گفتاری آن، پاراگراف‌ها به وسیله شواهد و نشانه‌های لفظی از هم جدا می‌شوند. پاراگراف به معنای بند، فِقْرَه (فقره در عربی) و بندبند کردن است و در این پژوهش، پاراگراف را «بخش» می‌نامیم؛ به عنوان جزئی از فصل.

منظور از نشانه‌های لفظی عبارت است از الفاظ یا نکات دستوری‌ای که شنونده یا تلاوت‌کننده قرآن کریم با شنیدن یا دیدن آن متوجه شروع موضوع جدیدی در آیه پیش‌رو می‌شود. شواهد لفظی احصاء شده در این پژوهش بسیار متنوع هستند که در خصوص جزئیات این شواهد، در ادامه توضیحات مبسوطی ارائه خواهد شد؛ اما از آنجایی که خطاب، شاخص‌ترین این نشانه‌هاست، توضیح مختصری در ابتدا ارائه می‌گردد.

### ۳-۳- خطاب، شاخص‌ترین نشانه لفظی

وجه غالب شواهد و نشانه‌های لفظی، خطابات قرآن است. بسامد خطاب در قرآن در حدی است که قرآن را از صورت یک متن روانی خارج کرده و به صورت یک متن خطایی درآورده است (طیب، ۱۳۷۹، ص ۵۰)؛ یعنی علاوه بر خطابه بودن سوره‌ها، آیات قرآن نیز بیشتر به صورت خطابی هستند و در واقع، روی سخن خداوند با اشخاص، اقوام یا حیوانات است (همان، ص ۵۵).

طیب برای بسامد بالای خطاب در قرآن کریم سه توجیه به شرح زیر ارائه داده است:

- ۱) یادآوری مرتب و مداوم به خواننده/شنونده که تو مخاطب این کلامی؛
  - ۲) پیشگیری از ایجاد حالات انفعالی و ملالت در خواننده/شنونده بوسیله خطاب؛
  - ۳) کم کردن فاصله بین گوینده و شنونده و بالتبع، افزایش انگیزندگی کلام.
- می‌توان بر آن‌ها این نکته بسیار مهم را نیز افزود که هریک از این خطاب‌ها، نشانه‌ای از طرح موضوعی جدید هستند<sup>۱</sup> (تیموری، ۱۳۹۸، ص ۸۸).

<sup>۱</sup> .خطاب‌های قرآن از لحاظ ساختار و نوع جمله، بیشتر در قالب انشاء طلبی، به‌ویژه، افعال امر، نهی، شرط، تعجب، استفهام، ندا، تمثی، ترجی و خبر بیان شده است.

### ۳-۴- روند انجام پژوهش

«سوره» را می‌توان با توجه به شواهد و نشانه‌های لفظی به دسته‌آیات (اجزائی) تقسیم کرد که هرکدام بیانگر موضوع خاصی هستند. محوری‌ترین این اجزاء، پاراگراف یا «بخش» است. هر خطاب آغازگر بخش و موضوعی خاص است و تا هنگامی که مخاطب تغییر نکرده است، بخش ادامه دارد و موضوع، تغییر اساسی نخواهد کرد و آیات غیرخطابی بعدی نیز، تا وقتی که خطاب جدیدی صورت نگرفته است، تکمیل‌کننده همان موضوع هستند و تغییر خطاب و مخاطب جدید، نویدبخش شروع بخشی جدید و موضوعی متفاوت است. بدیهی است که در پی این بخش‌بندی، برای تشخیص بهتر روابط بخش‌ها و بررسی احتمال تداخل معنایی بخش‌های متوالی، از توجه به شواهد معنایی نیز نباید غافل شد. روند انجام پژوهش به ترتیب زیر خواهد بود:

- ۱) ابتدا با استفاده از روش این پژوهش، بخش‌های سوره مانده تعیین می‌شود و سپس، با استفاده از بخش‌های قریب‌المضمون فصل تشکیل می‌شود و در نهایت، با استفاده از پیام کلی و موضوع محوری حاصل از هر فصل، موضوع محوری سوره استخراج می‌شود؛
- ۲) در سوره‌های بلند، می‌توان از تقسیم‌بندی دیگری با عنوان «قسم» (چند فصل قریب‌المضمون) استفاده و موضوع محوری سوره با استفاده از موضوع محوری این قسم‌ها استخراج نمود.

### ۳-۵- تعاریف و اصطلاحات پژوهش

- ۱- منظور از مخاطب در این نوشتار، مخاطبِ حضوری است؛ خطابات خداوند نسبت به پیامبر اکرم (ص) و یا غیر ایشان.
- ۲- در آیه‌ای که خداوند به صورت حضوری، رسول اکرم (ص) یا غیر ایشان را مورد خطاب قرار داده باشد:
  - اگر مخاطب در صدر آیه، قابل تشخیص باشد، یا خداوند در صدر آیه، متکلم باشد، آیه را خطابی صدری (یا به اختصار خطابی) می‌نامیم و تفاوتی میان خطاب صدری و ندای صدری وجود ندارد.
  - اگر مخاطب (متکلم بودن خدا) در کلمات بعدی قابل تشخیص باشد، آیه را خطابی میانی می‌نامیم.
  - اگر آیه‌ای فاقد مخاطب حضوری باشد، آیه غیابی (غیر خطابی) نامیده می‌شود.
- ۳- سوره به دسته‌آیات مختلفی از جمله بند، زیربخش، بخش، فصل و... قابل تقسیم است و هر یک از این قسمت‌ها شامل یک یا چند آیه هستند.
- ۴- بخش (پاراگراف): هر بخش، موضوعی خاص را بیان می‌کند و موضوع آن در راستای تأمین موضوع اصلی متن است و به لحاظ ساختاری، ساختمان نسبتاً ساده‌ای دارد و از سه قسمت اصلی جمله موضوع (مقدمه)، جملات پشتیبان، جمله پایانی (نتیجه‌گیری) تشکیل شده است و هر قسمت را یک «بند» می‌نامیم. آیات قرآن نیز، عموماً دارای چنین روندی هستند: آیات خطابی صدری، قسمت اول پاراگراف هستند و «بند خطابی» را تشکیل داده و وظیفه طرح موضوع را به عهده دارند (رتبه یک). آیات خطابی میانی، قسمت دوم و «بند

میانی» را تشکیل می‌دهند و وظیفه بیان مثال، توضیح، تشریح یا تخصیص موضوع را به عهده دارند (رتبه دو). آیات غیرخطابی، قسمت سوم و «بند غیابی» را تشکیل می‌دهند و وظیفه تکمیل توضیحات موضوع و نتیجه‌گیری را به عهده دارند (رتبه سه). موضوع هر بخش در راستای تأمین موضوع اصلی سوره است. هر قسمت محتوی یک آیه یا بیشتر است.

۵- در صورتی که سیر آیات از رتبه یک به رتبه سه باشد و تغییر مخاطبی در رتبه یک و دو صورت نگرفته باشد، بخش تا رسیدن به خطاب یا سایر شواهد لفظی بعد تغییر نمی‌کند؛ اما با تغییر رتبه - از رتبه سه به رتبه یک (آیات غیابی به خطابی)، از رتبه سه به رتبه دو (آیات غیابی به خطاب میانی) یا رتبه دو به رتبه یک (خطاب میانی به خطاب صدری مانند سوره حجرات: ۱۰ به ۱۱) - تغییر بخش خواهیم داشت.

۶- آیه اول بخش یکی از موارد زیر است: الف) آیه‌ای که در صدر آنها حضرت رسول اکرم (ص) یا غیر ایشان با انشاء طلبی (ندا، افعال امر، نهی، استفهام) یا خبری، مورد خطاب واقع می‌شوند، ب) آیه قسم خداوند مانند (وَ الْعَصْرِ)، ج) آیه‌ای که خداوند در آن متکلم است مانند سوره فتح: ۱/۴۸ و مائده: ۵/۴۶، د) آیه اول هر سوره.

۷- آیات خطابی صدری (آیاتی که با خطاب شروع می‌شوند) نیز همیشه آغازگر بخش هستند.

۸- آیات ندایی صدری (آیاتی که با ندا شروع می‌شوند) همیشه آغازگر بخش هستند؛ مگر آیات ندایی متوالی با مخاطب یکسان، که در این صورت، ندای دوم بیانگر موضوعی فرعی از موضوع اصلی و یا تخصیص موضوعی است که در آیه ندایی اول بیان شده است (حجرات: ۲/۴۹) و ادامه بخش محسوب می‌شود.

۹- آیه خطابی صدری بعد از آیه ندایی، حتی با مخاطب یکسان موجب تغییر موضوع و بخش می‌شود (مائده: ۶۷ به ۶۸) مگر در صورتی که با واو عاطفه (مائده: ۷/۵ و ۸۸) و غیره شروع شده باشند که در این صورت، ادامه بخش جاری خواهند بود.

۱۰- آیه خطابی صدری بعد از آیه خطابی صدری با مخاطب یکسان، موجب تغییر موضوع و بخش نبوده و بیانگر موضوعی فرعی از موضوع اصلی و یا تخصیص موضوعی است که در آیه خطابی اول بیان شده است (حجرات: ۲/۴۹).

۱۱- در آیات خطابی میانی، مخاطب حضوری، بعد از فراز ابتدایی آیه که غیابی است، شناسایی می‌شود.

۱۲- بخشی که فاقد بند خطابی صدری باشد (با بند خطابی میانی آغاز شود)، زیربخش نامیده می‌شود (مائده: ۳۸/۵ و ۳۹؛ مائده: ۱۰۸/۵ و ۱۰۹).

۱۳- هر بخش می‌تواند دارای یک یا چند زیربخش باشد که محتوی موضوعات متنوع و کوچک‌تر در راستای تبیین موضوع بخش جاری است.

۱۴- بسته به کمی یا زیادی اهمیت موضوعات و یا بر اساس برخی مسائل بلاغی و...، هریک از بندهای یک بخش، ممکن است حذف شوند. در برخی موارد، بخش یا زیربخش فقط شامل یک «بند» است (به عنوان مثال: سوره مؤمنون آیات ۱ تا ۱۱ یک بند غیابی است و فاقد بند خطابی صدری و خطابی میانی، بخش ۱ تا ۳ سوره مائده فاقد بند غیابی است، بخش ۴ سوره فاقد بند میانی است).

- ۱۵- آیات مشتمل بر داستان (حکایت) بخش مستقلی را تشکیل می‌دهند و علامت مشخصه آنها الفاظی چون «وَ اِذْ» (در صورتی که به معنای «فعل» [به یادآور، یاد کن] باشد) و همچنین، «وَ اِذْ»، «اُذْکَر» و ... در ابتدای آیه بوده و با یک یا چند آیه تکمیل می‌شوند (مانند احزاب: ۳۷/۳۳).
- ۱۶- آیات مشتمل بر دعا، مَثَل (مدثر: ۳۱/۷۴)، جمله معترضه، موضوع کلی، و گفتگوی غیر خدا با غیر خدا (مدثر: ۴۲/۷۴ تا ۴۷) در روند تعیین بخش‌ها و ... فاقد تأثیر هستند، یعنی بدون در نظر گرفتن آنها، روند تقسیم‌بندی اجرا می‌شود. البته در نهایت، جزء بخش جاری محسوب می‌شوند و توضیح، تکمله، مثال، نتیجه‌گیری و ... برای بخش به شمار می‌روند و تشخیص آنها اغلب با توجه به محتوای آنها صورت می‌گیرد.
- ۱۷- آیه‌ای که به وضوح و از ظاهر آن مشخص است که ادامه آیه قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیه قبل بوده و جزء بخش جاری محسوب می‌شود؛ مثلاً در صورتی که پاسخ آیه قبل باشد (ملک: ۲۶/۶۷)، یا با واو عاطفه (مائده: ۷/۵ و ۸۸) یا «الّا» استثنائیه (مائده: ۳۴/۵) و ... شروع شده باشد.
- ۱۸- فصل: واحد بزرگتر از پاراگراف را مقاله می‌نامند که در این پژوهش آن را «فصل» می‌نامیم. این فصول از سه نوع پاراگراف ساخته می‌شوند: پاراگراف مقدمه، پاراگراف‌های پشتیبان و پاراگراف نتیجه‌گیری. برای انجام این تقسیم‌بندی لازم است از اصول پاراگراف‌نویسی، یا شواهد معنایی و محتوایی استفاده شود و هر فصل شامل چند بخش قریب‌المضمون می‌باشد.
- ۱۹- قسم: در سوره‌های بلند، جهت سهولت و دقت بیشتر در تعیین موضوع محوری سوره، می‌توان تقسیم‌بندی دیگری را نیز تحت عنوان «قسم» سامان داد که هر دسته از آنها شامل چند فصل قریب‌المضمون می‌باشند و موضوع محوری سوره با استفاده از موضوع محوری این قسم‌ها استخراج می‌شود.
- ۲۰- دفعات نزول: بیشتر سوره‌های طویل قرآن یکبار نازل نشده‌اند، بلکه نزول آنها در چند مرحله صورت گرفته که آنها را «دفعه نزول» می‌نامیم. به عنوان مثال، سوره مائده در ۸ دفعه نازل شده است (گنجه‌ای، سایت اینترنتی سخن نو در تفسیر ۱۴۰۱).
- ۲۱- رکوعات یا سوره‌واره‌ها: منظور از رکوع، گروهی از آیات است که اتحاد موضوعی و مضمونی دارند و با شروع آن موضوع، رکوع آغاز می‌گردد و با تغییر و تحول کلام به موضوعی دیگر، خاتمه می‌یابد. پیداست که تعداد آیات مندرج در هر رکوع، متفاوت است؛ برخلاف جزءها و حزب‌ها که به طور مساوی تقسیم شده‌اند (لسانی فشارکی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۸).
- هر یک از آیات دفعات نزول در هر سوره به دو یا چند رکوع تقسیم می‌شوند. البته، گاهی یک آیه به تنهایی نازل شده است، مانند آیه ۶۷ سوره مائده (گنجه‌ای، سایت اینترنتی سخن نو در تفسیر ۱۴۰۱) و گاهی یک رکوع شامل کل آیات یک دسته نزول است، مانند آیات ۱۲ تا ۱۹ سوره مائده.
۲۲. استثنائات:



۱. آیاتی که فقط از حروف مقطعه تشکیل شده‌اند، در تقسیم‌بندی لحاظ نمی‌شوند و جزئی از بخش اول سوره محسوب می‌شوند<sup>۱</sup> (دخان: ۱/۴۴).

۱. در آیات اول سوره‌هایی که از حروف مقطعه، به‌علاوه فزای دیگر تشکیل شده‌اند، نوع آیه بدون در نظرگرفتن حروف مقطعه تعیین می‌شود (قلم: ۱/۶۸).

### ۳-۶- قواعد پیشنهادی

با در نظر داشتن موارد فوق و این نکته که وجه تمایز این پژوهش با سایر تفاسیر و پژوهش‌ها در تقسیم‌بندی روشمند سوره به پاراگراف و «بخش» می‌باشد (و نه سیاق یا فصل)، قواعد پیشنهادی بخش‌بندی عبارتند از:  
قاعده ۱: هر دسته‌آیاتی که با آیه‌ای خطابی (حضوری) آغاز و تا آیه خطابی غیرمتوالی بعدی ادامه می‌یابد، «بخش» (پاراگراف) نامیده می‌شود.

قاعده ۲: مخاطب آیه اول بخش، رسول اکرم (ص) یا دیگران هستند و در آیات خطابی متوالی با مخاطب یکسان، آیه دوم تکمیل‌کننده بند اول بخش است.

قاعده ۳: آیات ندایی همیشه آغازگر بخش هستند؛ مگر آیات ندایی متوالی با مخاطب یکسان باشد که در این صورت، آیه دوم تکمیل‌کننده بند اول بخش محسوب می‌شود.

قاعده ۴: آیه خطابی صدری بعد از آیه ندایی، حتی با مخاطب یکسان، موجب تغییر موضوع و بخش می‌شود.

قاعده ۵: هر «بخش» حداکثر دارای سه قسمت است که به ترتیب عبارتند از: خطابی صدری، خطابی میانی و غیابی (غیر خطابی) و هر قسمت را «بند» می‌نامیم.

قاعده ۶: هر «بند» شامل یک یا چند آیه خطابی صدری، خطابی میانی یا غیابی مجاور است.

قاعده ۷: تغییر ترتیب بندها (تغییر رتبه) موجب آغاز بخشی جدید خواهد شد.

قاعده ۸: آیه‌ای که به وضوح و از ظاهر آن مشخص است که ادامه آیه قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیه قبل و جزء بخش جاری محسوب می‌شود.

قاعده ۹: آیات مشتمل بر داستان (حکایت) بخش مستقلی را تشکیل می‌دهند و مخاطب آنها رسول اکرم (ص) بوده و علامت مشخصه آنها الفاظی چون «وَإِذْ»، «وَأَتْلُ»، «أَذْکُر» و... است.

قاعده ۱۰: آیات مشتمل بر دعا، مثل، جمله معترضه، موضوع کلی و گفتگوی غیر خدا با غیر خدا در روند تعیین بخش‌ها و... فاقد تأثیر هستند، یعنی بدون در نظر گرفتن آنها، روند تقسیم‌بندی اجرا می‌شود.

قاعده ۱۱: هر فصل شامل چند بخش قریب‌المضمون است و برای فصل‌بندی از اصول پاراگراف‌نویسی، یا شواهد معنایی و محتوایی استفاده می‌شود.

قاعده ۱۲: هر قسم شامل چند فصل قریب‌المضمون می‌باشد و برای قسم‌بندی از شواهد معنایی و محتوایی استفاده می‌شود.

۱. اولاً: به دلیل واقع شدن در ابتدای سوره، قطعاً آغازگر بخش هستند، ثانیاً: شناخت مشخصی از آنها در دست نیست.

**قاعده ۱۳:** موضوع محوری فصول با استفاده از موضوعات محوری بخش‌ها - و موضوع محوری قسم‌ها (در صورت وجود) با استفاده از موضوعات محوری فصول - به دست می‌آید.

**قاعده ۱۴:** موضوع محوری سوره با استفاده از موضوعات محوری فصول (یا قسم‌ها در صورت وجود) استخراج می‌شود.

### ۳-۷- سوره‌های مورد پژوهش

با ممارست در تلاوت و بررسی تعداد زیادی از سوره‌های قرآن کریم، مواردی که موجب تغییر در موضوع آیات می‌شوند، احصاء شده و قواعدی استخراج گردیده است که در ادامه، حاصل مطالعات و قواعد پیشنهادی در خصوص سوره مائده پیاده و نتایج تقسیم‌بندی ارائه خواهد شد.

### ۴- مراحل و روند اجرایی تقسیم‌بندی موضوعی و استخراج موضوع محوری سوره مائده

بر اساس روش این پژوهش، برای تعیین موضوع محوری سوره، مراحل اجرایی چنین خواهد بود:

- ۱- تعیین بخش‌های سوره مائده با استفاده از قواعد پیشنهادی.
- ۲- تعیین فصول با استفاده از اصول پاراگراف‌نویسی، یا شواهد معنایی و محتوایی.
- ۳- تعیین پیام کلی و موضوع محوری حاصل از هر فصل و استخراج موضوع محوری سوره.
- ۴- در سوره‌های بلند، مانند این سوره، می‌توان از تقسیم‌بندی دیگری تحت عنوان «قسم» (چند فصل قریب-المضمون) استفاده و موضوع محوری سوره با استفاده از موضوع محوری این قسم‌ها استخراج نمود، که این مرحله نیز اجرا شده است.

### ۴-۱- تعیین بخش (پاراگراف)های سوره مائده

مرحله اول بخش‌بندی سوره مائده، براساس قواعد پیشنهادی این پژوهش و بدون توجه به محتوای آیات صورت می‌گیرد. به جهت جلوگیری از اطاله مطالب، در مواردی خاص، توضیحات محتوایی نیز وارد شده که می‌توانست بعد از بخش‌بندی اولیه صورت گیرد.

۱- بخش یک، شامل دو آیه ندایی (خطابی صدری) به مؤمنین است و آیه ۳ خطابی میانی با مؤمنین است و چون آیه ۴ خطابی میانی به حضرت رسول اکرم (ص) است و آغازگر بخشی جدید است؛ بنابراین، بخش یک با آیه ۳ خاتمه می‌یابد.

۲- بخش ۲ شامل آیه ۴ خطابی میانی به حضرت رسول (ص) و آیه ۵ خطابی میانی عام است و آیه ۶ آیه‌ای خطابی صدری است. از این رو، با آیه ۵ بخش ۲ خاتمه می‌یابد.

۳- بخش ۳ شامل آیه ۶ ندایی (خطابی صدری) به مؤمنین و آیه ۷ خطابی صدری به مؤمنین است و آیه ۸ آیه ندایی است و آغازگر بخش جدید است. بنابراین، بخش ۳ دو آیه‌ای است.

۴- بخش ۴ با آیه ۸ شروع و با آیه ۹ خطابی میانی ادامه می‌یابد و آیه ۱۰ تکلم میانی خداوند است یعنی در اواسط آیه خداوند متکلم است؛ در نتیجه، علی‌الظاهر با تغییر رتبه آیه (از غیابی به تکلم میانی) بخش جدید آغاز می‌شود.

نکته‌ای که باید بدان توجه شود اینکه آیه ۱۰ معطوف به آیه قبل بوده و «وعدده دوزخ به کفار و منکرین آیات الهی» است و با وجود اینکه تکلم میانی است، در حکم آیه قبل است؛ یعنی غیابی بوده و جزء بخش قبل محسوب می‌شود و نتیجه این خواهد بود که بخش ۴ از چهار آیه تشکیل می‌شود و نه سه آیه. به همین دلیل، آیه ۱۰ قابل جدا شدن از سه آیه قبل نیست.

۵- بخش ۵ با آیه ۱۱ ندا به مؤمنین آغاز می‌شود و با توجه به اینکه آیه ۱۲ تکلم میانی است؛ به دلیل تغییر رتبه نمی‌تواند جزء بخش ۵ باشد. پس، بخش ۵ یک آیه‌ای خواهد بود.

۶- بخش ۶ نیز به دلیل اینکه آیه ۱۲ تکلم میانی است (تغییر خطاب به تکلم خداوند) آغازگر بخش جدید است. آیه ۱۳ نیز تکلم میانی خداوند است و آیه ۱۴ نیز همین‌طور. آیه ۱۵ به ندا تغییر می‌یابد. بنابراین، نمی‌تواند ادامه این بخش باشد و بخش ۶ شامل سه آیه ۱۲ تا ۱۴ خواهد بود.

۷- بخش ۷ با آیه ۱۵ ندایی به اهل کتاب آغاز می‌شود و آیه ۱۶ آیه غیابی است و ادامه بخش خواهد بود؛ ولی چون آیه ۱۷ خطاب میانی به رسول اکرم (ص) است، آغازگر بخش جدید است و بدین ترتیب بخش ۷ دو آیه‌ای خواهد بود.

۸- بخش ۸ شامل دو آیه ۱۷ و ۱۸ خطاب میانی به رسول اکرم (ص) است و آیه ۱۹ به دلیل ندایی و تغییر مخاطب، آغازگر بخش ۹ خواهد بود.

۹- بخش ۹ یک آیه‌ای است؛ چون آیه ۲۰ تغییر مخاطب به رسول اکرم (ص) و آغاز حکایت است.

۱۰- آیه ۲۰ با لفظ «وَإِذْ» آغاز می‌گردد که نشانگر آغاز حکایتی است که خداوند برای پیامبر خود نقل می‌کند (می‌توان گفت خطاب صدری به حضرت رسول اکرم (ص) و یا حتی تکلم صدری خداوند و آغازگر بخش است. به همین جهت، بخش ۱۰ با آیه ۲۰ به عنوان حکایت آغاز و با توجه به محتوای آیات تا آیه ۲۶ (در حکم آیات غیابی) ادامه می‌یابد. آیه ۲۷ نیز، با لفظ «وَأَتْلُ» مجدداً خطاب صدری به رسول اکرم (ص) و آغاز حکایتی جدید و بخشی جدید است. پس، بخش ۱۰ با آیه ۲۶ خاتمه می‌یابد.

۱۱- بخش ۱۱ با آیه ۲۷ آغاز و به صورت حکایت هابیل و قابیل با آیه ۳۱ خاتمه می‌یابد. آیه ۳۲ تکلم میانی خداوند و آغازگر بخش جدید است.

۱۲- بخش ۱۲ با آیه ۳۲ آغاز و با آیه ۳۳ غیابی ادامه می‌یابد. آیه ۳۴ خطاب میانی است و علی‌القاعده، باید آغازگر بخش جدید باشد؛ اما به دلیل وجود «الَّا» استثنایی، ادامه آیه قبل محسوب شده و در حکم آیه قبل و جزء بخش ۱۲ خواهد بود.

- ۱۳- بخش ۱۳ با آیه ۳۵ ندایی (خطاب صدری) آغاز و با آیات ۳۶ و ۳۷ غیابی ادامه می‌یابد و چون آیه ۳۸ مجدداً ندایی است، به دلیل تغییر رتبه (از غیابی به خطابی) بخش جدید خواهیم داشت. بنابراین، بخش ۱۳ سه آیه‌ای خواهد بود.
- ۱۴- بخش ۱۴ با آیه ۳۸ خطاب میانی آغاز و با آیه ۳۹ غیابی خاتمه می‌یابد؛ چون آیه ۴۰ از غیاب به خطاب صدری تغییر می‌یابد.
- ۱۵- بخش ۱۵ با آیه ۴۰ خطاب صدری آغاز می‌شود؛ ولی چون در آیه ۴۱ تغییر خطاب به رسول اکرم (ص) اتفاق می‌افتد، بخش جدید خواهیم داشت و بخش ۱۵ یک آیه‌ای است و در واقع، جزء بخش ۱۴ محسوب می‌شود. آیه ۴۱ در حکم تعلیل مطلب آیه سابق است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۳۹).
- ۱۶- بخش ۱۶ با آیه ۴۱ ندا به رسول اکرم (ص) آغاز و با دو آیه ۴۲ و ۴۳ خطاب میانی به آن حضرت ادامه می‌یابد و از آنجایی که آیه ۴۴ آیه تکلم صدری است، بیانگر خاتمه بخش با آیه ۴۳ است.
- ۱۷- بخش ۱۷ با تکلم صدری خداوند در سه آیه پیاپی ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ آغاز و با آیه غیابی ۴۷ خاتمه می‌یابد.
- ۱۸- بخش ۱۸ با آیه ۴۸ تکلم صدری با حضرت رسول اکرم (ص) آغاز و در آیه بعد خطاب صدری ادامه و با آیه ۵۰ غیابی خاتمه می‌یابد.
- ۱۹- بخش ۱۹ از یک آیه ۵۱ تشکیل شده که آیه‌ای ندایی است؛ زیرا در آیه ۵۲ مخاطب تغییر می‌یابد و بخش جدید آغاز خواهد شد.
- ۲۰- بخش ۲۰ با آیه ۵۲ خطابی صدری به حضرت رسول اکرم (ص) آغاز و با آیه ۵۳ غیابی خاتمه می‌یابد.
- ۲۱- بخش ۲۱ با آیه ۵۴ ندایی آغاز و با آیه ۵۵ خطاب میانی ادامه و با آیه ۵۶ غیابی خاتمه می‌یابد.
- ۲۲- بخش ۲۲ با آیه ۵۷ ندایی (خطاب به مؤمنین) آغاز می‌شود با آیه ۵۸ که خطابی به مؤمنین است پایان می‌پذیرد؛ زیرا در آیه بعدی ۵۹ مخاطب تغییر می‌یابد.
- ۲۳- بخش ۲۳ با آیه ۵۹ خطاب صدری به رسول اکرم (ص) آغاز می‌شود. آیه بعد نیز، همین شرایط را دارد و ادامه‌دهنده بخش است و در آیه ۶۱ با وجودی که مخاطب تغییر می‌کند، بخش تغییری نخواهد داشت؛ زیرا مخاطب غیر رسول اکرم (ص) ذیل خطاب به ایشان است.
- ۲۴- آیه ۶۲ به دلیل تغییر مخاطب از مؤمنین به رسول اکرم (ص) است، آغازگر بخش ۲۴ است و آیه ۶۳ غیابی و خاتمه بخش است؛ چون آیه ۶۴ خطاب میانی به حضرت رسول اکرم (ص) است.
- ۲۵- بخش ۲۵ با آیه ۶۴ خطاب میانی به رسول اکرم (ص) آغاز و با آیه ۶۵ خطاب میانی به ایشان ادامه و با آیه ۶۶ غیابی پایان می‌پذیرد.
- ۲۶- بخش ۲۶ با آیه ۶۷ ندا به حضرت رسول اکرم (ص) آغاز می‌شود. چون آیه ۶۸ به خطاب صدری تبدیل می‌شود، با وجودی که مخاطب تغییر نیافته، آغازگر بخش جدید خواهد بود. به همین دلیل، بخش ۲۶ تک آیه‌ای خواهد بود.
- ۲۷- بخش ۲۷ با آیه ۶۸ خطاب صدری به رسول اکرم (ص) آغاز و با آیه ۶۹ غیابی خاتمه می‌یابد.

- ۲۸- بخش ۲۸ با آیه ۷۰ خطاب میانی به رسول اکرم (ص) آغاز و با چهار آیه بعدی غیابی خاتمه می‌یابد. به نظر می‌رسد، آیات ۷۲ تا ۷۴ می‌توانند بخش مستقلی را تشکیل دهند؛ اما قاعده‌ای برای تشخیص آن در دست نیست و تأثیر چندانی هم در بخش‌بندی ندارد.
- ۲۹- بخش ۲۹ با آیه ۷۵ خطاب میانی به رسول اکرم (ص) آغاز می‌شود و چون آیه ۷۶ خطاب صدری به رسول اکرم (ص) است، به دلیل تغییر رتبه (از میانی به صدری)، بخش جدیدی آغاز خواهد شد. از این رو، این بخش تک آیه‌ای است. البته، این آیه نتیجه‌گیری آیات قبل و بخش قبل است و می‌تواند در حکم آیه قبل باشد و جزء آن بخش (۲۸) به حساب آید.
- ۳۰- بخش ۳۰ با دو آیه ۷۶ و ۷۷ خطاب صدری آغاز و با دو آیه ۷۸ و ۷۹ غیابی پایان می‌یابد.
- ۳۱- بخش ۳۱ با آیه ۸۰ خطاب صدری آغاز و با آیه ۸۱ غیابی خاتمه می‌یابد.
- ۳۲- بخش ۳۲ با آیه ۸۲ خطاب صدری به رسول اکرم (ص) آغاز و با آیه ۸۳ خطاب میانی به رسول اکرم (ص) ادامه و علی‌الظاهر، با دو آیه ۸۴ و ۸۵ غیابی خاتمه می‌یابد.
- نکته قابل توجه اینکه آیه ۸۶ معطوف به آیه قبل بوده و «وعده دوزخ به کفار و منکرین آیات الهی» است و با وجودی که تکلم میانی است، در حکم آیه قبل یعنی غیابی بوده و جزء بخش ۳۲ محسوب می‌شود و نتیجه این خواهد بود که بخش ۳۲ از ۵ آیه تشکیل می‌شود و نه ۴ آیه. بنابراین، آیه ۸۶ قابل جدا شدن از ۴ آیه قبل نیست.
- ۳۳- بخش ۳۳ با آیه ۸۷ ندا به مؤمنین آغاز و با آیه ۸۸ خطاب صدری به مؤمنین ادامه می‌یابد. آیه ۸۹ که خطاب میانی به مؤمنین است، پایان‌دهنده بخش است.
- بر اساس قاعده ۸ بایستی آیه ۸۸ (که خطاب صدری پس از آیه ندایی با مخاطب یکسان است) آغازگر بخشی جدید باشد؛ اما وجود واو عاطفه در ابتدای آیه نشانگر این است که این آیه ادامه و در حکم آیه قبل است. به همین جهت، بخش ادامه می‌یابد.
- به نظر می‌رسد، آیه ۸۹ به دلیل موضوع متفاوت می‌تواند بخش مستقلی را تشکیل دهد؛ ولی قاعده‌ای برای تشخیص آن در دست نیست و تأثیر چندانی هم در بخش‌بندی ندارد.
- ۳۴- بخش ۳۴ با آیه ۹۰ ندا به مؤمنین آغاز می‌شود و آیه ۹۱ که خطاب میانی به مؤمنین است، پایان‌دهنده بخش است.
- ۳۵- بخش ۳۵ به دلیل تغییر رتبه (از خطاب میانی آیه ۹۲ به خطاب صدری در این آیه) با آیه ۹۲ آغاز و با آیه ۹۳ غیابی خاتمه می‌یابد.
- ۳۶- بخش ۳۶ با دو آیه ندا به مؤمنین آغاز و با دو آیه ۹۶ و ۹۷ که خطاب میانی به مؤمنین است، پایان می‌یابد؛ زیرا آیه ۹۸ خطاب صدری به مؤمنین است و به دلیل تغییر رتبه، آغازگر بخش جدید خواهد بود.
- ۳۷- بخش ۳۷ با آیه ۹۸ خطاب صدری به مؤمنین آغاز و با آیه ۹۹ خطاب میانی به مؤمنین خاتمه می‌یابد.
- ۳۸- بخش ۳۸ با آیه ۱۰۰ ندا به رسول اکرم (ص) آغاز می‌گردد و چون آیه ۱۰۱ مخاطب تغییر می‌یابد، آغازگر بخش جدید خواهد بود و بخش ۳۸ تک آیه‌ای است.

- ۳۹- بخش ۳۹ با آیه ۱۰۱ ندا به مؤمنین آغاز و با آیه ۱۰۲ که خطاب میانی به مؤمنین است، ادامه یافته و با دو آیه غیابی پایان می‌پذیرد.
- ۴۰- بخش ۴۰ با دو آیه ۱۰۵ و ۱۰۶ ندا به مؤمنین آغاز و با آیه ۱۰۷ غیابی پایان می‌پذیرد. به نظر می‌رسد، آیه ۱۰۸ می‌تواند بخش مستقلی را تشکیل دهد؛ اما به دلیل وجود لفظ «ذلک» در ابتدای آیه، طبق قاعده ۸ می‌توان آن را ادامه و نتیجه‌گیری آیات قبل به‌شمار آورد و بخش ۴۰ را ۴ آیه‌ای منظور کرد.
- نکته دیگر اینکه ظاهر آیه ۱۰۹ غیابی بوده و ادامه این بخش است، ولی به علت وجود لفظ «اذ» یا «اذکر» در تقدیر، این آیه خطاب صدری به حضرت رسول اکرم (ص) محسوب می‌شود، لذا آغازگر بخش ۴۱ است.
- ۴۱- بخش ۴۱ با آیه ۱۰۹ شروع می‌شود. این آیه ظاهری غیابی دارد؛ اما به علت وجود لفظ «اذ» یا «اذکر» در تقدیر، این آیه خطاب صدری به حضرت رسول اکرم (ص) محسوب می‌شود و آغازگر بخش ۴۱ است. در آیه ۱۱۰، لفظ «اذ» قرار دارد که به معنای «فعلی» نیست؛ بلکه به معنای «آنگاه که» یا «هنگامی که» به کار رفته است. از این رو، آیه‌ای غیابی بوده و با آیه ۱۰۴ در یک بخش قرار می‌گیرند. حتی اگر به معنای فعلی (یاد کن) در نظر گرفته شود، باز هم ادامه بخش خواهد بود.
- ۴۲- بخش ۴۲ با آیه ۱۱۱ و با لفظ «وَ اِذ» شروع می‌شود و تا آیه ۱۱۶ که خود با لفظ «وَ اِذ» شروع می‌شود و بیانگر آغاز حکایتی جدید و بخشی جدید است، ادامه می‌یابد.
- ۴۳- بخش ۴۳ با آیه ۱۱۶ و با لفظ «وَ اِذ» شروع می‌شود و تا آیه ۱۲۰ که آیه‌ای غیابی است، ادامه می‌یابد.
- ۴۴- بخش ۴۴ شامل آیه ۱۲۰ غیابی و آخرین آیه این سوره است و تک آیه‌ای است. البته، می‌توان این آیه را نتیجه‌گیری و ادامه بخش قبل دانست؛ اما مستقل بودن آن مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ چون این آیه به نوعی نتیجه‌گیری کل سوره محسوب می‌شود.

#### ۴-۱-۱- پیام و موضوع محوری بخش‌ها

از جمع‌بندی پیام آیات هر بخش، پیام و موضوع محوری هر بخش استخراج و در ستون شماره ۹ جدول یک ارائه شده است.

#### ۴-۲- فصل‌بندی

- با اجرای مراحل زیر می‌توان به فصول موضوعی و در نهایت، به محور مرکزی سوره دست یافت:
- ۱- تعیین فصل‌های سوره: بخش‌ها بر اساس موضوع و محتوایشان دسته‌بندی و فصل‌بندی می‌شوند.
  - ۲- استخراج پیام فصل‌ها: با استخراج و جمع‌بندی پیام بخش‌ها، پیام فصل‌ها به دست می‌آید.
  - ۳- قسم‌بندی: در صورتی که تعداد فصل‌های سوره زیاد باشد، با استخراج و جمع‌بندی پیام فصل‌ها، پیام قسم‌ها به دست می‌آید.

۴- تعیین هدف و محور مرکزی سوره: با جمع‌بندی پیام فصل‌ها (قسم‌ها در صورت وجود)، هدف و محور مرکزی سوره مشخص می‌گردد.

#### ۴-۲-۱- فصل‌بندی سوره مائده

با اتمام بخش‌بندی سوره می‌توان وارد مرحله فصل‌بندی شد. در این مرحله با تک‌تک آیات سروکار نداریم؛ بلکه از نتایج بخش‌بندی استفاده می‌شود. البته لازم است موضوع و پیام هر بخش تعیین شود تا با انتخاب بخش‌های دارای موضوعات قریب‌المضمون، بتوان هر فصل را راحت‌تر تعیین نمود؛ اگرچه ممکن است فصلی تنها از یک بخش تشکیل شود.

از نکات مفید و جالب فصل‌بندی به این روش، اولاً: کاسته‌شدن تعداد موارد قریب‌المضمون، از تعداد آیات به تعداد بخش‌هاست. بدین معنا که به جای بررسی ۱۲۰ آیه و یافتن آیات قریب‌المضمون مجاور و تشکیل فصل، ۴۴ بخش قریب‌المضمون خواهیم داشت. طبیعتاً خطای قرارگرفتن یک آیه در فصل غیر مرتبط از بین می‌رود. البته، بر خلاف بخش‌بندی این پژوهش که ابتدا بدون توجه به محتوا و صرفاً بر اساس شواهد و نشانه‌های لفظی صورت می‌گرفت، فصل‌بندی بر اساس شواهد معنایی و پیام و موضوع محوری بخش‌ها صورت می‌گیرد.

مزیت دیگر اینکه، در صورتی که دو بخش یا بیشتر تشکیل یک فصل را می‌دهند، به این معناست که آیات میانی بخش، هرچند دارای موضوعی متفاوت باشد، درون این بخش واقع شده و موجب تغییر فصل نمی‌شود؛ درحالی‌که برای تعیین محدوده فصل با استفاده از مضمون آیات، ممکن است با رسیدن به آیه‌ای که مضمون آن با مضمون آیات قبلی متفاوت است، ظن شروع فصل جدید پیش آید و آن آیه و چند آیه بعدی باقیمانده بخش مورد نظر این پژوهش، به فصل بعد منتقل شود. با این کار ممکن است، به دلیل کاسته‌شدن از آیات فصل اول، از دقت تعیین موضوع محوری فصل کاسته شود. به همین صورت در فصل بعد هم، به دلیل افزایش آیات، تعیین موضوع محوری آن با خطا مواجه گردد.

در سوره مائده ۴۴ بخش - از بخش‌های دارای یک آیه تا بخش مشتمل بر ۷ آیه - وجود دارد. با توجه به مضمون این بخش‌ها، ملاحظه می‌شود که بخش‌های ۱ و ۲ تشکیل یک فصل را می‌دهند. با این کار، دیگر مردد نیستیم که آیا بخش یک (۳ آیه اول) همراه با آیه ۴ تشکیل یک فصل را می‌دهد یا با آیات ۴ و ۵؛ بلکه به راحتی معلوم است که فصل یک شامل بخش یک و بخش ۲ می‌باشد. بخش‌های ۳ و ۴ و ۵ تشکیل فصل بعدی را می‌دهند و به همین ترتیب، سایر فصل‌ها مشخص می‌شوند.

#### ۴-۲-۲- موضوع محوری و پیام فصل‌ها

بخش‌ها براساس موضوع و محتوایشان تحت عنوان فصل، دسته‌بندی می‌شوند که می‌توان سوره مائده را به ۱۸ فصل تقسیم کرد. محدوده و محورهای موضوعی و موضوعات محوری هر فصل در ستون شماره ۱۰ و ۱۱ جدول ۱ قابل ملاحظه است.

#### ۴-۲-۳-قسم بندی

در سوره‌های بلند، جهت سهولت و دقت بیشتر در تعیین موضوع محوری سوره، می‌توان تقسیم‌بندی دیگری را نیز تحت عنوان «قسم» سامان داد که هر دسته از آنها شامل چند فصل قریب المضمون باشند و موضوع محوری سوره با استفاده از موضوع محوری این قسم‌ها استخراج شود. از جمله می‌توان فصول هریک از دفعات نزول سوره را یک قسم در نظر گرفت. سوره مائده بر اساس قول گنجه‌ای در ۸ نوبت نازل شده است (گنجه‌ای، سایت اینترنتی سخن نو در تفسیر ۱۴۰۱) که محدوده و محورهای موضوعی و موضوعات محوری هر قسم در جدول ۱ قابل ملاحظه است.

#### ۴-۲-۴- موضوع محوری سوره

با استفاده از موضوعات محوری هر قسم و جمع‌بندی پیام‌های قسم‌های هشتگانه، موضوع محوری سوره استخراج می‌شود: ایمان به الله و لزوم وفاداری به پیمان‌ها و «ما انزل» و ولایت‌پذیری از «الذین آمنوا» [ائمه اطهار ع].

#### ۵- ارزیابی کلی بخش‌بندی سوره مائده بر اساس دفعات نزول و رکوعات

برای بحث در میزان دقت بخش‌بندی حاصله و مقایسه آن با برخی پژوهش‌ها و تفاسیر، لازم است به اختصار، روش و نتایج آنان مورد بررسی قرار گیرد که در جدول ۱ نشان داده شده است؛ به عنوان مثال: سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» ابتدا سوره را به بخش‌های کلی تحت عناوین مختلفی از جمله سیاق تقسیم می‌کند و سپس، با تقسیم این بخش‌ها به دو آیه یا بیشتر تحت عنوان جزء به تفسیر آنها می‌پردازد. وی سوره مائده را به ۹ سیاق (بخش) تقسیم کرده است. تقسیمات وی تقریباً منطبق بر رکوعات سوره می‌باشد و بخش‌بندی وی در حد بالایی منطبق با رکوعات سوره است. اصلاحی نیز در تفسیر «تدبر القرآن»، تقسیمات خود تحت عنوان فصل را از رکوعات وام گرفته است و حتی در یک آیه با ابتدا یا انتهای رکوعات، اختلافی ندارد. اصلاحی نیز مانند سید قطب پس از بخش‌بندی کل سوره، هر بخش را به اجزائی تقسیم نموده (از کل به جزء) و به تفسیر هر جزء می‌پردازد. قرابت تقسیم‌بندی این دو مفسر به دلیل بهره‌مندی هر دو از رکوعات است. خامه‌گر نیز در گفتاربندی خود از رکوعات بهره برده است. گفتار اول شامل ۲ رکوع اول، گفتار دوم شامل ۹ رکوع بعدی، گفتار سوم شامل ۳ رکوع بعدی و گفتار چهارم شامل ۲ رکوع آخر است. بالطبع، به دلیل انطباق گفتاربندی او با رکوعات، آیات ابتدا و انتهای گفتاربندی خامه‌گر در وسط بخش‌بندی این پژوهش قرار نمی‌گیرند.

همانگونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، نتایج این پژوهش در مواردی به برخی نزدیک و در مواردی متفاوت است. با توجه به موضوعات مطرح‌شده در هر بخش، می‌توان صحت تقسیم‌بندی‌ها را ارزیابی کرد و در مورد آن‌ها قضاوت نمود. جزءبندی اصلاحی که از رکوعات بهره کافی برده است، خیلی نزدیک به پاراگراف‌بندی (بخش-بندی) این پژوهش می‌باشد. البته، در مواردی پاراگراف‌بندی این پژوهش خردتر است و جزءهای مورد نظر



اصلاحی را به پاراگراف‌های خردتری تقسیم می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد که در سوره مائده، قرارگرفتن بخش‌های موضوعی این پژوهش در محدوده رکوعات بدون توجه به آنها در ابتدای امر (حرکت از جزء به کل) نشانگر دقت بالای این روش می‌باشد؛ یعنی هیچ‌کدام از بخش‌ها در دورکوع قرار ندارند، به جز یک مورد که قابل بررسی است.

### نتیجه‌گیری

با مطالعه سوره‌های قلم، مدثر، فتح، رعد، حجرات، دخان، مائده و احزاب، قواعدی استخراج شد و روش پیشنهادی این پژوهش در خصوص سوره مائده اجراء و موضوعات سوره تفکیک گردید. نکته قابل تأمل اینکه، موضوعات و بخش‌های هر سوره، صرفاً با استفاده از برخی نشانه‌های لفظی از جمله نوع خطاب و مخاطب، به بخش‌هایی با موضوعات متفاوت تقسیم می‌شوند و با تعیین این اجزاء و بخش‌ها، می‌توان ساختار سوره را به دست آورد.

در ادامه، فصل‌بندی سوره بر اساس محتوای فصول انجام شد و موضوع محوری سوره به دست آمد. با استفاده از موضوعات محوری هر قسم و جمع‌بندی پیام‌های قسم‌های هشتمانه، موضوع محوری سوره عبارت است از: ایمان به الله و لزوم وفاداری به پیمانها و «ما انزل» و ولایت‌پذیری از «الذین آمنوا» [ائمه اطهار ع]. در مقایسه با سایر تلاش‌های صورت گرفته برای تقسیم‌بندی سوره به اجزاء ساختاری، این پژوهش دارای مزایایی به شرح زیر است:

- ۱) تقسیم‌بندی آیات به بخش‌ها، روش‌مند است.
- ۲) بخش‌بندی سوره با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی است.
- ۳) تقسیم‌بندی آیات به بخش‌ها، در ابتدا بدون توجه به معنا و محتوای آیات خواهد بود و یک مرحله از تعیین موضوع محوری سوره با دخالت کمتر مفسر، یا لاقلاً با دقت بیشتری صورت خواهد پذیرفت.
- ۴) اجزاء هر فصل و سیاق، از تعدادی آیه، به تعدادی بخش تغییر خواهد نمود و طبیعتاً آیات متعلق به یک بخش، همگی در سیاق مربوطه قرار خواهند گرفت و احتمال قرارگیری آیات یک بخش در دو سیاق از بین خواهد رفت و این امر موجب تعیین دقیق‌تر ابتدا و انتهای سیاق‌ها خواهد بود.
- ۵) بیشتر مفسران و قرآن‌پژوهان برای تعیین سیاق سوره‌ها از کل به جزء می‌رسند؛ یعنی ابتدا با مطالعه دقیق و تدبر و انس با آیات، محدوده سیاق‌ها را تعیین می‌کنند و سپس، با تقسیم هر سیاق به بخش‌هایی، با توجه به موضوع محوری سیاق، آن بخش‌ها را تفسیر می‌کنند؛ در حالی که در این روش، ابتدا از جمع چند آیه، یک واحد معنایی (بخش) تعیین می‌شود و از مجموع دو یا چند بخش که دارای موضوعات قریب‌المضمون هستند، سیاق تشکیل می‌شود.

۶) قواعد پیشنهادی دارای عمومیت است و تقریباً بسیاری از سوره‌های قرآن را در بر می‌گیرد.

۷) ایجاد زمینه برای سیاق‌بندی روش‌مند، همانند بخش‌بندی روش‌مند این پژوهش، با پژوهش‌های بیشتر.

- ۸) استخراج دقیق‌تر موضوع محوری سوره؛ با توجه به دقیق‌تر شدن محدوده سیاق‌ها، به منظور دستیابی به پیام سوره، می‌توان با استفاده از محتوا و مفاهیم بخش‌هایی که دارای مفاهیم نزدیک به هم هستند (به جای استفاده از آیات قریب‌المضمون)، سوره را به فصل‌هایی تقسیم کرد و سپس، از جمع‌بندی پیام بخش‌های تشکیل‌دهنده آن فصل، پیام فصل را تعیین نمود و از جمع‌بندی پیام فصل‌ها، پیام سوره را استخراج کرد.
- ۹) بهره‌برداری از قابلیت‌های رایانه در تحلیل و بررسی دقیق‌تر روش و همچنین، سایر تحلیل‌ها برای کشف ارتباط آیات، مقایسه سوره‌ها، کشف اشتراک معنایی چند سوره و...؛ برای این کار، لازم است ابتدا آیات کدگذاری شود و سپس، با یک برنامه ساده رایانه‌ای، بندها و بخش‌های سوره تعیین گردد.
- تذکر:** طبیعتاً انجام این موارد صرفاً با استفاده مستقیم از خروجی تحلیل رایانه‌ای مطلوب نبوده و لازم است، بهره‌برداری از این خروجی‌ها با تدبر و بررسی محتوای آیات صورت گیرد.







## منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۱. آرام، محمدرضا؛ لایقی، فاطمه؛ «بررسی ساختار سوره مائده با رویکرد ساختاردرختی»؛ پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ۱۳۹۵ش، صص ۵۵-۷۷.
  ۲. اصلاحی، امین احسن؛ تدبر القرآن؛ لاهور: پاکستان، ۱۹۹۹م.
  ۳. توکلی محمدی، نرجس؛ پویازاده، اعظم؛ «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم»؛ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۶ش، صص ۲۵-۵۴.
  ۴. توکلی، محسن؛ ستوده‌نیا، محمدرضا؛ احمدی دارانی، علی‌اکبر؛ «بررسی ابعاد کارکردی، زیبایی شناختی و ادبی پاراگراف بندی متن قرآن کریم»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴۶، ۱۳۹۹ش، صص ۳۳-۶۳.
  ۵. تیموری، محمد؛ ساختار تصویری سوره های قرآن کریم؛ تهران: سنجش و آموزش، ۱۳۹۹ش.
  ۶. \_\_\_\_\_؛ تبیین نقش تصویرپردازی در کشف ساختار سوره های قرآن؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸ش.
  ۷. حژی، ابوالفضل؛ «درباره کتاب روابط متنی در قرآن؛ مناسبت، انسجام و ساختار»؛ کتاب ماه دین، شماره ۵۱، ۱۳۹۰ش، صص ۷۸-۹۱.
  ۸. حژی، سعید؛ الأساس فی التفسیر؛ قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۴ق.
  ۹. خامه‌گر، محمد؛ ساختار هندسی سوره های قرآن کریم؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ش.
  ۱۰. دهقانی فارسانی، یونس؛ «ساختار سوره انشقاق»؛ بلاغ نوین، شماره ۱۴، ۱۳۸۷ش، صص ۳-۱۴.
  ۱۱. دیالمه، نیکو؛ «خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات»؛ مطالعات تفسیری؛ شماره ۱۳، ۱۳۹۲ش، صص ۵۱-۶۶.
  ۱۲. ذوقی، امیر؛ «نگره ای جدید درباره انسجام متنی سوره های قرآن»؛ مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۹۲ش، صص ۱۵۱-۱۷۵.
  ۱۳. رایبسون، نیل؛ شاکر، محمدکاظم؛ عسگری، انسیه؛ «دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده»؛ پژوهش های قرآنی، شماره ۶۹، ۱۳۹۱ش، صص ۱۵۶-۱۹۰.
  ۱۴. زارع زردینی، احمد؛ «بررسی نظم در سوره های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین»؛ پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱، ۱۳۹۵ش، صص ۲۹-۴۶.
  ۱۵. زمانی، محمدحسن؛ قانع اردکانی، علی؛ «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»؛ قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۲، ۱۳۹۱ش، صص ۵۷-۷۶.
  ۱۶. سلطانی، علی اصغر؛ پاراگراف نویسی؛ قم: نشر لوگوس، ۱۳۹۶ش.
  ۱۷. سیوطی، عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۵ش.

۱۸. شیرازی، معصومه؛ نیل‌ساز، نصرت؛ لسانی فشارکی، محمدعلی؛ «رویکردهای خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن: سیر تحول تاریخی؛ ویژگی‌ها؛ زمینه‌ها»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴۱، ۱۳۹۸ش، صص ۱۶۷-۱۹۷.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲۰. طیب، سید محمدتقی؛ «تحلیل کلام خدا بحثی گفتمانی پیرامون متن قرآن مجید»؛ مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۹۷، ۱۳۷۹ش صص ۱۶۵-۱۹۲.
۲۱. عوی، سلوی محمد؛ روابط متنی در قرآن، ربط، پیوستگی و ساختار؛ ترجمه: سیداکبر جلیلی، تهران: نویسه پارسی، ۱۳۹۵ش.
۲۲. غروی، سعیده؛ «تفسیر ساختاری سوره «یس» با تأکید بر تفسیر المیزان»؛ مطالعات تفسیری، شماره ۲۱، ۱۳۹۴ش، صص ۱۰۳-۱۲۲.
۲۳. قاضی زاده، کاظم؛ محمدپور گرجی، علیرضا؛ «وجوه تناسب در واحد منسجم سوره»؛ حسنا، شماره ۲۹ و ۳۰، ۱۳۹۵ش، صص ۱۹-۴۸.
۲۴. قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ تهران: احسان، ۱۳۹۳ش.
۲۵. گنجه‌ای، جمال؛ سخن نو در تفسیر؛ ۱۴۰۱ش، وبگاه اینترنتی به نشانی: <https://jamal-ganjei.com>.
۲۶. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین؛ سوره شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم)؛ قم: نصاب، ۱۳۹۴ش.
۲۷. معرفت، محمدهادی؛ ایروانی، جواد؛ ترجمه التفسیر الاثری الجامع؛ قم: التمهید، ۱۳۹۰ش.
۲۸. مکوند، محمود؛ شاکر، محمدکاظم؛ «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن»؛ پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۶، ۱۳۹۴ش، صص ۴-۳۷.
۲۹. ناظمیان، هومن؛ «پیوند فرم و ساختار یا محتوا در سوره مبارکه تکویر»؛ انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۱۶، ۱۳۹۲ش، صص ۹۷-۱۱۵.
۳۰. نساچ، مریم؛ «بررسی ساختار سوره انسان و دسته‌بندی آیات آن»؛ کتاب قیم، شماره ۳، ۱۳۹۰ش، صص ۳۶-۵۵.